

پدیدارشناسی تجربی تعاملات دگرجنس خواهانه (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)

علی یوسفی^۱

سیده زهرا کاظمی یزدی^۲

مصطفی غنی‌زاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۶

چکیده

نیاز جنسی و ارتباط با جنس مخالف یک نیاز اولیه طبیعی است که در جوامع مختلف مطابق با هنجارهای معینی که مهم‌ترین آن‌ها ازدواج است، تامین می‌گردد. با این حال برخی از روابط دگرجنس-خواهانه، خارج از چارچوب ازدواج جریان دارد و بیشتر تحت تاثیر هنجارهای شخصی تنظیم می‌شود و با شیوه‌های مختلف توجیهی و پنهان‌سازی نیز تداوم پیدا می‌کند. این نوشتار درصدد است با تحلیل پدیدارشناختی تجربه‌های دگرجنس‌خواهانه و خارج از چارچوب ازدواج در بین تعدادی از مشارکت‌کنندگان دانشجوی در دانشگاه فردوسی مشهد، دلایل انگیزه‌های این نوع روابط را آشکار نماید. در تحلیل تجربه‌های دگرجنس‌خواهی ۲۲ مشارکت‌کننده که به روشی هدف‌مند انتخاب شده‌اند، پنج نوع ارتباط با جنس مخالف شامل ارتباط کلامی بدون عاطفه، عاطفی یک سویه، عاطفی دوسویه، عاطفی-جسمی و عاطفی-جنسی مورد مینا قرار گرفته و با معناکاوی آن‌ها پنج معنای عمده شامل «انگیزه فرصتی، تجربه ارتباط متفاوت، میل به ازدواج، عشق و تعلق و لذت جنسی» انتزاع گردیده است. نتایج نشان می‌دهد نیازهای جنسی و نیازهای اجتماعی در هم آمیخته‌اند و این در هم آمیختگی و نظام توجیهی آن پوشش مثبتی را برای تداوم روابط خارج از ازدواج در بین مشارکت‌کنندگان فراهم ساخته است. بعلاوه تفاوت‌های جنسیتی و شرایط فرهنگی اجتماعی پیرامونی در شکل دادن به انواع روابط دگرجنس‌خواهانه و هم‌چنین برقراری تناسب میان انواع انگیزه‌ها و انواع روابط میان دوجنس، سهم بسزائی دارند. واژگان کلیدی: نیاز، انگیزه، تعاملات دگرجنس‌خواهانه، روابط خارج از چارچوب ازدواج، مشارکت‌کننده، پدیدارشناسی تجربی

E-mail: yousofi@um.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد- ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: z.kazemiyazdi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد- ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد- ایران.

E-mail: mostafapour1357@yahoo.com

شماره موبایل: ۰۹۱۵۱۲۲۰۵۹۴

مقدمه

جامعه ایران در سال‌های اخیر با تغییرات فرهنگی و اجتماعی مواجه شده است. یکی از ابعاد این تغییرات مربوط به الگوهای جدید روابط جنسی و جنسیتی است (آزاد ارمکی و ساعی، ۱۳۹۱). روابط نوین و شکل‌های جدید از ارتباط با جنس مخالف در جامعه ایران شکل گرفته است که سابق براین وجود نداشته یا بدین شکل گسترده نبوده است (علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳). این نوع روابط با تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد همراه بوده است و جوانان و نوجوانان ایرانی ارزش‌های جدیدی را درک و تجربه کرده‌اند (بهروزیان و حسونند، ۱۳۹۵). این تغییرات، تفاوت‌های جدی نسبت به شکل سنتی و عرف اجتماعی سابق در عرصه اجتماعی گسترش پیدا کرده و خود را در تفاوت‌های نگرشی و ارزشی بین نسلی نمایش داده است (عظیمی هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). چنانچه این گونه تعاملات از چارچوب‌های فرهنگی خود خارج شود و تبدیل به تخطی از هنجارهای جامعه باشد می‌تواند یک مسئله اجتماعی برای جامعه ایجاد کند (اورعی، ۱۳۷۱).

این گونه رفتارهای ضد هنجاری علاوه بر تاثیرات ساختاری برای نظام فرهنگی مرجع می‌تواند مشکلات خرد دیگری را برای افراد نیز به وجود آورد. چنانچه که فراهانی در تحقیق خود نشان می‌دهد احتمال طلاق در کسانی که قبل از ازدواج با غیر همجنس خود تعامل سطح بالا داشته‌اند پنج برابر کسانی است که چنین تعاملات و معاشرت‌هایی را نداشته‌اند (فراهانی، ۱۳۹۱).

یکی از مهم‌ترین نقاط شکل‌گیری تعاملات بین دختران و پسران مجرد در ایران، محیط دانشگاهی است و این قرابت و همجواری اغلب منجر به دوستی و گاه منجر به عشق می‌شود (ارونسون و همکاران، ۱۳۸۴). "نزدیکی" موجب افزایش دوست داشتن می‌شود، چرا که فرصت‌های ارتباطی بر اثر آن افزایش می‌یابد (فرهنگی، ۱۳۹۲).

با توجه به رشد این گونه تعاملات در محیط دانشگاه، کشف دلایل و انگیزه‌های آغاز این تعاملات در سطوح مختلف و همین‌طور عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری و تداوم تعاملات با دانشجویان غیر همجنس می‌تواند نیازها، مشکلات و خواسته‌های ذهنی آن‌ها را نشان دهد.

نوشتار حاضر در صدد است دلایل و انگیزه‌های دگر جنس‌خواهی و روابط خارج چارچوب ازدواج در میان دانشجویان را به روشی کیفی و با بهره‌گیری از پدیدارشناسی تجربی^۱ مورد واکاوی و کشف قرار دهد.

^۱. Experimental phenomenology

چارچوب مفهومی^۱

هر انگیزه‌ای با یک نیاز آغاز می‌شود. نیاز مربوط به سیستم وجودی ما است، در حالی که انگیزه به خرده سیستم عصبی روانی ما مربوط می‌شود. گاهی پیش می‌آید که نظام دچار عدم تعادل می‌شود و این عدم تعادل یا از عوامل بیرونی ناشی می‌شود و یا از عوامل درونی؛ یا ناشی از کمبود است و یا ناشی از پربود و به عبارت دیگر ناشی از یک نیاز است. عدم تعادل همراه با کشش برای رسیدن به تعادل، منشاء بروز رفتار می‌شود که این کشش همان انگیزه می‌باشد (اورعی، ۱۳۹۶). "انگیزه معمولاً به معنای آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های مختلف موجود است." (شاملو، ۱۳۸۳). در واقع انگیزه یک نیاز است که به شکل میلی انسان را بر می‌انگیزاند. و البته "هر میل یا رفتار خودآگاهانه می‌تواند ابزاری برای نیازهای مختلف باشد" (مزلو، ۱۳۶۹). یکی از ویژگی‌های مهم انگیزه‌ها این است که ما هرگز آن‌ها را مستقیماً مشاهده نمی‌کنیم. ما وجود آن‌ها را از آن چه مردم درباره شیوه احساس خود می‌گویند و از مشاهده رفتاری که مردم و حیوانات در جهت رسیدن به هدف خاصی انجام می‌دهند استنباط می‌کنیم.

یکی از موضوعات مهم درباره انگیزه بخش ناخودآگاه آن است چرا که "اهداف نهایی انسان اغلب به طور مستقیم در ضمیر خودآگاه دیده نمی‌شود، مجبوریم مسئله انگیزش ناخودآگاه را نیز مورد بررسی قرار دهیم. در بررسی دقیق زندگی انگیزشی خودآگاه به تنهایی، اغلب خیلی چیزها که اهمیت آن برابر یا حتی بیشتر از آن چیزی است که در ضمیر خودآگاه می‌توان دید از قلم می‌افتد" (همان).

در این میان باید به پویا بودن فرآیند انگیزه یا انگیزش در انسان اشاره نمود. چرا که انگیزه‌های انسان (حتی نیرومندی آن‌ها) در طولانی مدت تغییر می‌کنند. هم‌چنین باید این مطلب را یادآوری کرد که ما انسان‌ها همیشه از علت و مبنای انگیزه‌های خود، آگاه نیستیم؛ به این معنی که برخی انگیزه‌ها از ساختارهای کلامی مثل هدف‌ها سرچشمه می‌گیرند و از این رو، به راحتی در دسترس آگاهی هشیار قرار دارند و گاهی بیان علل انگیزه‌ها در توان بیان کلامی و توضیح و توجیه فرد نمی‌گنجد (ریوجان مارشال، ۱۳۸۲).

اولین سوال همیشگی انگیزش بر شروع، دوام، تغییر، هدف‌مندی و خاتمه رفتار مربوط می‌شود. یکی از نیازهای مهم انسان که می‌توان آن را در طبقه سوم و چهارم تقسیم‌بندی نیازهای مازلو قرار داد، نیاز به پیوندجویی و ارتباط است که از رهگذر آن نیاز به احترام هم رفع می‌شود.

نیاز به پیوندجویی چنین تعریف می‌شود: «برقرار کردن، حفظ کردن و ایجاد رابطه مثبت و عاطفی با فرد یا افرادی دیگر» انگیزه پیوندجویی یکی از انگیزه‌های مهم اجتماعی است. کسانی که انگیزه

۲. چارچوب مفهومی شرح معقولی از بیان ارتباط و اتصال منطقی مفاهیم اساسی و ایده‌های مورد مطالعه است (محمدپور، ۱۳۹۲). چون تحقیق حاضر بیشتر متکی بر استدلال‌های استقنایی و غیراثباتی است ترجیح داده شده است به جای چارچوب نظری که که متکی به استدلال‌های قیاسی - فرضیه‌ای است (محمدپور، ۱۳۹۰)، از چارچوب مفهومی استفاده شود.

پیوندجویی در آنان قوی است ترجیح می‌دهند که با دوستان یا اشخاص هم خلق و خوی خود کار کنند. نیاز به تعلق و پیوندجویی به اندازه نیاز به گرسنگی بنیادی است (حسن‌زاده، ۱۳۸۶).

البته باید توجه داشت که برخی از دانشمندان انگیزه را با توجه به شخص و ساختار اجتماعی مدنظر قرار می‌دهند. میلز و گرث (۱۳۸۰)، و به عوامل اجتماعی موثر بر انگیزه بیش از ارگانیسم و ساختار روانی اهمیت می‌دهند، به طوری که ارگانیسم و ساختار روانی را متأثر از اجتماع می‌دانند.

یکی از انواع نیازها که در دسته اول و فیزیولوژیک قرار می‌گیرد نیاز جنسی است که می‌تواند دارای اهداف ناخودآگاه باشد و در افراد مختلف متفاوت. مازلو معتقد است تمایل جنسی در یک فرد ممکن است در واقع به معنای تمایل یافتن از صفت مردی خودش باشد و در افراد دیگر اساساً نشانگر تمایل به تاثیرگذاری بر دیگران، یا تمایل به صمیمیت، به دوستی، به ایمنی، به محبت و یا به ترکیبی از همه این‌ها باشد (مزلو، ۱۳۶۹).

مردان و زنان، میل جنسی را بسیار متفاوت تجربه می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند. در مردان، همبستگی انگیزتگی فیزیولوژیک با میل روان‌شناختی بسیار بالاست. در زنان همبستگی بین انگیزتگی فیزیولوژیک با میل روان‌شناختی بسیار پایین است. بنابراین، میل جنسی زنان را نمی‌توان با توجه به نیاز فیزیولوژیک یا انگیزتگی آن‌ها پیش‌بینی و توجیه کرد. در عوض، میل جنسی زنان خیلی نسبت به عوامل رابطه، مثل صمیمیت عاطفی، حساس است در واقع در زنان، آمیزش جنسی، با نیازهای صمیمیت (نه با میل جنسی)، آغاز می‌شود. به علاوه، میل جنسی به جای این که به مرحله رفع در چرخه پاسخ جنسی بیانجامد، به رابطه صمیمانه بلندمدت و تقویت آن منجر می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۸۰).

البته باید توجه داشت که راه رفع نیاز در هر جامعه و فرهنگی متفاوت است، این موضوع آن قدر در جامعه‌شناسی مهم است که پارسونز تلفیق الگوهای ارزشی با تمایلات مبتنی بر نیاز را قضیه بنیادین و پویای جامعه‌شناسی میدانند (ریترز، ۱۳۹۲).

مرتون نیز جامعه را مولد نیازهای جدید برای فرد می‌داند به این معنا که نیازهای اصلی و پایه‌ای که در نظریه مزلو آماده در هر جامعه به شکلی خاص پاسخ داده خواهد شد و اساساً فرهنگ روش رفع نیاز است و جامعه‌شناس می‌باید این روش‌ها را کشف نماید. کواچ و همکاران (۲۰۰۸)، نیز در پژوهش خود به نقش ساختارها در ایجاد احساس جنسی تاکید داشته‌اند. یکی از ساده‌ترین عوامل تعیین کننده جاذبه و کشش، نزدیکی و مجاورت است که آن را "قربانیت" با کسانی می‌نامند که به طور تصادفی دیده‌اید و با آن‌ها معاشرت کرده‌اید که اغلب منجر به دوستی و گاه منجر به عشق می‌شود (ارونسون و همکاران، ۱۳۸۴). "نزدیکی" موجب افزایش دوست داشتن می‌شود، چرا که فرصت‌های ارتباطی بر اثر آن افزایش می‌یابد (فرهنگی، ۱۳۹۲). بعلاوه بر اساس نظریه نیازهای مکمل در انتخاب افراد برای ازدواج یا دوستی ما به کسانی بیشتر جذب می‌شویم که بتوانند خلاءهای ما را بپوشانند و آن را که ما نداریم یا کم داریم به ما عرضه کنند (فرهنگی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). بدین ترتیب تمایل دگرجنس خواهانه یک نوع کشش و جاذبه

جنسی است که با نیازهای اجتماعی افراد در هم آمیخته شده و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در شکل دادن به آن سهم بسزائی دارند.

سوابق تجربی

زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به شناخت عوامل موثر بر پدیده معاشرت با جنس مخالف پیش از ازدواج پرداخته‌اند و معتقدند که عوامل اجتماعی روانی و برخی نیازها باعث به وجود آمدن این گونه روابط می‌شود. در یافته‌های این تحقیق نشان داده شده است که انگیزه‌های مهم ارتباط به ترتیب؛ ازدواج، نیاز جنسی، نیاز عاطفی، رقابت با دوستان و نیاز مالی است، اما اعتقاد پسران و دختران در این زمینه متفاوت است. هم دختران و پسران نیاز جنسی را یکی از دلایل اصلی در برقراری ارتباط پیش از ازدواج می‌دانند. انگیزه دختران برای ازدواج و نیاز عاطفی بیش از پسران است؛ حال آن که پسران بیشتر با انگیزه‌های مالی و رقابتی وارد این رابطه می‌شوند.

خواجه‌نوری و دل‌آور (۱۳۹۱)، در پژوهشی به مطالعه رابطه دوستی با جنس مخالف در شهر شیراز پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل گسترش دوستی‌های دختر و پسر نزد جوانان، نابسامانی‌های اجتماعی موجود در جامعه است. فشارهایی که از طرف خانواده و یا اجتماع بر جوانان وارد می‌شود نیز از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. برخی از جوانان سخت‌گیری بیش از حد والدین و یا بی‌توجهی بیش از حد آن‌ها به فرزندان را از عوامل مهم دانسته‌اند، برخی نیز نبود سرگرمی و تفریح در جامعه، محدودیت‌های بیش از حد در اجتماع و مانند آن‌ها را.

میرابی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "پدیدارشناسی تجربی گناه: مورد مطالعه گناهان جنسی" به مطالعه روابط دوستی دختران با جنس مخالف پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق، پی بردن به فرایند بساخت اجتماعی تجربه گناه جنسی و کشف پدیدار اجتماعی گناهان جنسی در بین زنان است. محقق در این پژوهش، پدیدار اجتماعی گناهان جنسی را در قالب هشت تم مرکزی «تعریف گناهان جنسی، واکنش‌های احساسی و رفتاری قبل از گناهان جنسی، واکنش‌های احساسی و رفتاری حین گناهان جنسی، واکنش‌های احساسی و رفتاری بعد از گناهان جنسی، پیامد تکرار گناهان جنسی، توجیه گناهان جنسی، گام‌های گناهان جنسی و تغییر ارزش‌های جنسی در رابطه دوستی با جنس مخالف» تنظیم کرده است. هم‌چنین در این پژوهش دلایل دوستی با جنس مخالف از نظر مصاحبه شوندگان؛ احساس تنهایی، وقت‌گذرانی، نیاز روحی به جنس مخالف، کنجکاوی، یافتن فرد ایده‌آل و آشنایی برای ازدواج ذکر شده است.

بهروزیان و حسنونند (۱۳۹۵)، در پژوهش کیفی خود تلاش نموده‌اند معنای ذهنی کنشگران از رابطه جنسی را کشف نمایند. مقولات کشف شده در این تحقیق عبارت بوده‌اند از وسایل جدید ارتباطی، فشار گروه‌های دوستان، رفتار فراغتی، هویت‌یابی جنسی، نیاز عاطفی (روابط عاشقانه)، روابط مبتنی بر عشق

سیال، فرصت و امکان ارتباط و جابجایی اهداف ارزشی. مقوله هسته این بررسی «ارزش‌های رهایی-بخش جنسی» است که سایر مقولات عمده را در بر می‌گیرد. این محققان بر تغییر ارزشی بین نسلی تاکید داشته‌اند و معتقد بوده‌اند روابط نامتعارف جنسی به یک اصل و الگوی رفتاری تبدیل شده است که به مرور تبدیل به هنجار می‌شود. آن‌ها بیان می‌دارند الگوی اول نیاز عاطفی روابط عاشقانه بیشتر در اولین رابطه دختر و پسر که وابستگی و دلبستگی خاصی ایجاد می‌کند و روابطی که براساس علاقه شکل می‌گیرد، به وجود می‌آید؛ اما روابط مبتنی بر عشق سیال بر اساس تنوع و لذت آنی شکل می‌گیرد که هر لحظه امکان قطع رابطه بدون کمترین آسیب روانی و عاطفی وجود دارد.

کواچ، پارکر و هافمن (۲۰۰۸)، تحقیقی با هدف مقایسه رابطه جنسی کودکان و سنجش جامعه برای فهم و تایید نقش کلیشه‌ای روابط جنسی و ساختار خانواده انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ساختارها بر احساس نیاز جنسی تاثیر گذاشته است، به طوری که فقط ۱۴ درصد از نمونه‌ها احساس جنسی نداشته‌اند. کودکان آفریقایی-آمریکایی بیشتر از کودکان اروپایی-آمریکایی، دوستی‌های بدون رابطه جنسی داشته‌اند و پیوند جنسی، ساختار جنسیتی کلاس‌ها را بازگو نمی‌کرد بلکه ساختار خانواده بازگو کننده آن بود.

مارتین و لیام (۲۰۱۱)، به بررسی تاثیر نقش مدارس در رابطه‌های دوستی با جنس مخالف و هم‌جنسان در دانشگاه پرداختند. مشاهده دوستی با جنس مخالف نشان می‌دهد هر چه در مدارس نگاه غیر جنسیتی به دوستی با جنس مخالف وجود داشته باشد، تاثیر مثبت بر روابط دانشگاهی داشته است. در نهایت مشخص است که مدارس نقش مهمی در میانجیگری این روابط دارد، مخصوصاً آن‌هایی که رابطه‌شان با جنس مخالف است، روی عملکرد دانشگاهی و غیر دانشگاهی تاثیر دارد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت چندلایگی تعاملات دگرجنس‌خواهانه و مستتر بودن معانی آن، اتخاذ رویکرد کیفی برای پی بردن به کنه این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است و در این میان پدیدارشناسی تجربی^۱ مناسب‌ترین گزینه برای کشف جنبه‌های پنهان و رمزآلود تجربه‌های زیسته (جنسی) است. پدیدارشناسی تجربی امکان درک لایه‌های عمیق معنایی تجربه‌های زیسته را فراهم می‌کند و روشی مناسب برای بررسی ساختار آگاهی در تجربه‌های انسانی است (محمدپور، ۱۳۹۱). پدیدارشناسی به دنبال این است که افراد چگونه دنیای فردی و اجتماعی خود را می‌سازند (اسمیت و اسبورن؛ به نقل از یوسفی و تابعی، ۱۳۹۱). به همین جهت پدیدارشناس در پی جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که یک پدیده‌ای را تجربه نموده‌اند، تا بتواند بر اساس آن اطلاعات، به یک توصیف مرکب از ماهیت آن تجربه از دیدگاه آن افراد برسد.

^۱. empirical phenomenology

در این توصیف، شیوه تجربه و آن چه که این افراد تجربه می‌کنند، ارائه می‌شود (موستاکاس؛ به نقل از ایمان، ۱۳۹۱: ۸).

با بهره‌گیری از تجارب پیش گفته، پدیدارشناسی تجربی تعاملات دگرجنس خواهانه طی شش مرحله مطابق شرح زیر انجام گرفته است:

۱. بازخوانی اهداف تحقیق که شامل شناسائی انگیزه‌ها و دلایل تعاملات دگرجنس خواهانه و آشکارسازی وجوه تفریدی و تعمیمی تجارب دگرجنس خواهی بوده است.

۲. مرور سوابق نظری و تجربی دگرجنس خواهی و تدوین چارچوب مفهومی اولیه برای نزدیک شدن محقق به موضوع تحقیق؛

۳. انتخاب هدف‌مند^۱ مشارکت کنندگان از میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. بر این اساس تعداد ۲۲ دانشجو که درگیر انواع روابط با جنس مخالف بوده‌اند^۲ به روش گلوله برفی برگزیده شده‌اند. از این مجموع ۱۱ نفر دختر و ۱۱ نفر پسر بوده‌اند که همگی مجرد و در دامنه سنی ۲۰ تا ۲۸ سال قرار داشته‌اند. بعلاوه ۱۹ نفر از مشارکت کنندگان دانشجوی کارشناسی و ۳ نفر از آنان در مقطع ارشد اشتغال به تحصیل داشته‌اند.

۴. انجام مصاحبه عمیق با مشارکت کنندگان. در این مصاحبه‌ها دو سوال اساسی محور گفتگو قرار گرفته است: نخست این که مشارکت کننده چه نوع روابطی را با جنس مخالف تجربه کرده است؟ و دیگر این که این تجارب تا چه اندازه تحت تاثیر وضعیت‌های پیرامونی او قرار داشته است؟

۵. پیاده‌سازی و آماده‌سازی متن مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها که طی پنج مرحله مطابق با شرح زیر انجام گرفته است:

- بازاندیشی و خوانش مکرر متن مصاحبه‌ها برای دستیابی به درک کلی از مضامین متن؛
 - استخراج واحدهای معنایی طبیعی و اولیه متن (تجارب دگرجنس خواهی) از طریق کدگذاری باز؛
 - دسته‌بندی معنایی طبیعی تجارب دگرجنس خواهانه از طریق کدگذاری محوری؛
 - دسته‌بندی مضامین اصلی تجارب دگرجنس خواهانه از طریق کدگذاری گزینشی؛
 - بازنگری فرایند کدگذاری و ارزیابی اعتبار آن‌ها از طریق افراد مطلع؛
۶. تدوین گزارش پدیدارشناختی تجارب دگرجنس خواهانه که ترکیبی از توصیف و تفسیر این تجارب بر پایه نتایج کدگذاری است.

^۱. Purposive

۲. انتخاب هدف‌مند مشارکت کنندگان برای مصاحبه بر حسب پنج نوع رابطه با جنس مخالف بدین شرح انجام گرفته است: «رابطه کلامی بدون عاطفه (۳ پسر و ۱ دختر)؛ رابطه کلامی با عاطفه یک سویه (۳ پسر و ۳ دختر)؛ رابطه کلامی با عاطفه دو سویه (۳ پسر و ۳ دختر)؛ رابطه عاطفی-جسمی (۲ پسر و ۳ دختر) و رابطه عاطفی-جنسی با جنس مخالف (۲ پسر و ۲ دختر).

یافته‌ها: نتایج معناکاوی تعاملات دگرجنس خواهانه

- قبل از ارائه نتایج تحلیل متن، یادآوری و توضیح چهار نکته را ضروری می‌داند:
- (۱) تعاملات دگرجنس خواهانه مورد مطالعه شامل رابطه کلامی بدون عاطفه، رابطه کلامی با عاطفه یک سویه، رابطه کلامی با عاطفه دو سویه، رابطه عاطفی- جسمی و رابطه عاطفی- جنسی با جنس مخالف می‌شود.
- (۲) طرف تعامل همه دانشجویان مشارکت کننده نیز دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد بوده‌اند و تعامل دگرجنس خواهی آن‌ها از داخل دانشگاه شروع شده و در بیرون دانشگاه ادامه پیدا کرده است.
- (۳) کمترین مدت رابطه دوستی با جنس مخالف در مشارکت کنندگان، یک هفته و بیشترین مدت آن، ۵ سال بوده است.
- (۴) معرفی یافته‌ها مشتمل بر توصیف و تفسیر نتایج کدگذاری متن و معناکاوی تجارب دگرجنس- خواهانه در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی مطابق شرح ذیل است:

۱. معنای طبیعی تعاملات دگرجنس خواهانه

در معنایابی اولیه دگرجنس خواهی که از طریق کدگذاری باز متن حاصل شده ۱۷ واحد معنایی طبیعی شناسائی گردید که شامل همکاری درسی، فعالیت داوطلبانه دانشجویی، حمایت اجتماعی، تازگی تجربه ارتباط با جنس مخالف، کنجکاو، کسب تجربه متفاوت دوستی، تفریح و سرخوشی، شناخت جنس مخالف، شناخت خود، تفکر درباره آینده زندگی زناشویی، همدردی، جلب نظر، لذت همنشینی، دلبستگی عاطفی، میل به رابطه جنسی، لذت و ارضاء جنسی در تعامل با جنس مخالف می‌شود.

۲. معنای محوری تعاملات دگرجنس خواهانه

در فرایند کدگذاری محوری و دسته‌بندی واحدهای معنایی تجارب دگرجنس خواهانه پنج معنا یا انگیزه محوری شامل: « انگیزه فرصتی یا فرصت ارتباط، تجربه ارتباط متفاوت، میل به ازدواج، عشق و تعلق و لذت جنسی » استخراج گردیده که ذیلا تشریح می‌گردد:

انگیزه فرصتی

انگیزه فرصتی یا فرصت‌های ارتباطی هم چون مجاورت و نزدیکی مکانی (فرهنگی، ۱۳۹۲)، و یا همترازی موقعیت اجتماعی، زمینه برقراری رابطه را تسهیل می‌کند. مجاورت و همترازی موقعیت در تحقیق حاضر از طریق همکلاسی و هم رشته‌ای در میان دو جنس به وجود آمده است. تعاملات دگرجنس خواهی در این حالت از طریق همکاری درسی، فعالیت داوطلبانه دانشجویی و حمایت از همکلاسی بروز پیدا می‌کند. با این حال علائق جنسی در این سطح از روابط، آشکار نیست و بیشتر در

ضمن همکاری‌ها و حمایت‌های اجتماعی نهفته است. چنان که یکی از مشارکت‌کنندگان دختر ذکر می‌کند که انگیزه اولیه ارتباطش با جنس مخالف، تحصیلی بوده اما پس از مدتی ارتباطش بیشتر شده و انگیزه‌های دیگری در وی به وجود آورده است:

"سر جریان همین جزوه و کتاب و یه سری تحقیقاتی که من داشتم، خب گفتم یه سری ارتباطاتی با چند تا از آقایون داشتم تو دانشگاه که با یکی از این آقایون ارتباطم بیشتر شد".

اما از طرف دیگر برخی مشارکت‌کنندگان پسر بیان داشته‌اند که روابط کلاسی و دانشجویی با دختران، نوعی حمایت از آن‌ها در مقابل عوامل دانشگاهی است. در این رده معنایی به وضوح شکل‌گیری نوعی رابطه عاطفی غیرجنسی و عام بین هر دو جنس دیده می‌شود، اما این عام‌بودگی در برخی پسران به مرور زمان کاهش پیدا کرده و به یک یا چند نفر خاص محدود می‌شود. برای مثال مشارکت‌کننده شماره هشت پسران می‌گوید:

"با همدیگه دوست باشن با این عنوان که اینا همکلاسین با همدیگه و می‌تونن به همدیگه کمک کنن. خلاصه مثل یه برادر باهاشون باشیم که بدونن که تنها نیستن دخترا". این نوع شکل‌گیری محبت به شکل واضحی در صحبت مشارکت‌کننده ده پسران دیده می‌شود: "محبت یعنی این که مشکلی که هیچکی حاضر نیست براش حل کنه رو براش حل کنی". این امر به رفتار متقابل فرد یا افراد مورد نظر بستگی دارد: "یه وقتی هست که اون پاسخ‌های عاطفی و اون عکس‌العمل‌های عاطفیه که تو یه کاری می‌کنی و اون جواب می‌ده".

در موضوع فعالیت داوطلبانه دانشجویی برخی از پسران به حفظ حریم‌های عرفی و شرعی تاکید داشته‌اند و آن را باعث پیشرفت خود می‌دانسته‌اند، مشارکت‌کننده هفت پسران می‌گوید: "کار در گروه‌ها و انجمن‌های علمی حتی تو برخی از گروه‌های خارج از دانشگاه مثل گروه‌های NGها (مردم نهاد) حتی خیلی استقبال هم می‌کنم. بهتره بگم یک رابطه کنترل شده و هدایت شده تا حدی می‌پسندم و نظرم خیلی مثبتیه".

واضح است که در این سطح از روابط دو جنس که در قالب روابط همکلاسی و هم‌دانشگاهی ظهور پیدا می‌کند، انگیزه تحصیلی برجستگی بیشتری دارد لکن با توجه به انگیزه‌های ضمنی دیگر، روابط مذکور تدریجاً زمینه ورود به تعاملات عاطفی‌تر دو جنس را فراهم می‌آورد.

تجربه ارتباط متفاوت

تازگی تجربه ارتباط با جنس مخالف، کنجکاوی و کسب تجربه متفاوت دوستی، تفریح و سرخوشی، بخشی از معانی اولیه تجربه ارتباط با جنس مخالف هستند. این تجربه حاکی از نوعی آگاهی عملی است که به تعبیر گیدنز معمولاً به سادگی و به دور از استدلال و در قالب کلمات اتفاق می‌افتد (استونز، ۱۳۸۸). چنان که مشارکت‌کننده شماره چهار دختران می‌گوید:

"من دوست داشتم که اینو [بوسیدن] تجربه کنم. فکر می‌کردم بوسیدن یه اتفاق خیلی خاصه و دوست داشتم این اتفاق بیفته و تجربش کنم". این علاقه با نوعی حس کنجکاوی همراه است مانند مشارکت‌کننده شماره دو دختران که می‌گوید: "شاید بیشتر حس کنجکاوی و این تفاوت هست که دخترها و پسرها رو به سمت هم می‌کشونه. من همین حس تفاوت رو برای خودم ترجیح می‌دم". این مورد در پژوهش بهروزیان و حسونند(۱۳۹۵)، نیز گزارش شده است.

در این نوع روابط، غالباً تفکر جدی نسبت به آینده و عواقب آن دیده نمی‌شود و احساس در آن غلبه دارد؛ همانند مشارکت‌کننده شماره هشت دختران که می‌گوید: "به خدا گفتم که من سه ماه با این آدم دوست می‌شم تا آخر تابستون بعدشم که اگه قبول بشم ارشد، دیگه اون جا درسام جدیه و اینا و من با خوندن درسام حواسمو از این قضیه پرت می‌کنم".

در موضوع تفریح گروهی عموماً مشارکت‌کنندگان دختر تاکید داشته‌اند که این روابط با توجه به گروهی بودن مانند روابط با همجنس است. چنان که مشارکت‌کننده دو دختران می‌گوید:

"روابطی که می‌گم کنترل شده یعنی در حد همین بودن‌های توی دانشگاه و به بیرون اگر هم کشیده بشه به صورت دسته‌جمعی و در همین حد". اما در بین دختران بوده‌اند افرادی که وجه غیرهمجنس بودن را برجسته نمودند و از لذت بیشتر آن صحبت کرده‌اند، مانند مشارکت‌کننده شماره شش دختران: "باهاش برم بیرون یا مثلاً یه رابطه عاطفی با یک پسر برقرار کنم، این رو دوست داشتم. سر این قضیه رفتم. فقط در حد بیرون رفتن و اینا و خوشگذرونیدن. بیکاری‌ها تو پر می‌کنه".

دوستی اجتماعی با بار عاطفی ضعیف که در میان دو همجنس رایج است در میان غیرهمجنس نیز پر تکرار است، اگرچه برخی مشارکت‌کنندگان دختر به این موضوع اشاره داشته‌اند که این نوع دوستی نیز با یک دوستی که هر دو طرف همجنس باشند متفاوت است. در این خصوص مشارکت‌کننده شماره ده دختران می‌گوید: "هدف بدی نداریم که، دوستمه مثل بقیه دوستام. حالا واقعاً مثل بقیه دوستام نبود". در این شکل از روابط هم، قصد رابطه‌ای عاطفی وجود دارد. چنان که مشارکت‌کننده شماره سه می‌گوید: "بهش گفتم که ببین من به یک رابطه جدی اصلاً فکر نمی‌کنم. پس خیلی به خودت وعده وعید ندی. ولی می‌تونیم با هم دوست باشیم حالا اگه شد، شد. نشد هیچی. فقط دوست داشتم باهاش دوست باشم و ارتباط داشته باشم".

میل به ازدواج

میل ازدواج متضمن شناخت جنس مخالف، شناخت خود و تفکر درباره آینده زندگی زناشویی است. به نظر می‌رسد پسران در تعاملات کلامی خود موضوع ازدواج و پیدا کردن گزینه مناسب را به شکل جدی پیگیری می‌کنند گرچه آن را به زبان نمی‌آورند. در این خصوص مشارکت‌کننده چهار می‌گوید:

"یه چیزای این طوری رو دو طرف می‌تونن از حال هم بفهمن. مثلاً می‌فهمی نوع گفتمان چه جوریه. سخیفه؟ کلاً این فضا کمک می‌کنه".

البته باید توجه داشت پسران بیشتر علاقه دارند که از منافع روابط بدون تعهد استفاده نمایند؛ امری که عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴)، نیز به آن اشاره نموده‌اند.

برخی دختران به این نوع روابط به عنوان راهی برای رسیدن به ازدواج نگاه می‌کرده‌اند اما این انگیزه پس از شکل‌گیری رابطه بوده است، مانند مشارکت‌کننده یازده دختران که می‌گوید:

"دوست داشتم اول تعاملم باهاش زیاد بشه و هم بعدش ازدواج کنم. من اصلاً اهل دوستی و اینا نیستم‌ها". در برخی روابط پیشرفته‌تر این نوع شناخت برای شناخت یک فرد مورد نظر نیست بلکه شناختی عام از پسران است مانند مشارکت‌کننده هفت دختران که می‌گوید: "کلاً به نظر من خوبه قبل ازدواج آدم بشناسه مثلاً جنس مخالفش را".

باید گفت هیچ یک از مشارکت‌کننده‌ها صرفاً با انگیزه ازدواج وارد تعاملات عاطفی دوسویه با جنس مخالف نشده‌اند. برخی از آن‌ها اظهار داشته‌اند پس از ورود به رابطه و عمیق‌تر شدن آن به فکر ازدواج با همان فرد افتاده‌اند.

برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که قصدشان از ارتباط با جنس مخالف، پی بردن و آگاهی از خود است. آن طور که مشارکت‌کننده شماره سه دختران می‌گوید: "به نظر من آدما باید با یک جنس مخالفشون رابطه داشته باشن، نه صرفاً به خاطر این که اونو خوب بشناسن. بلکه به خاطر این که به خودت خیلی کمک می‌کنه. به شناخت خودت خیلی کمک می‌کنه".

البته در این جا باید یادآوری کرد در بین مشارکت‌کنندگان این تحقیق فقط رابطه یک دختر و یک پسر به ازدواج منجر شده و هیچ کدام از دو کنشگری که روابط پیشرفته جنسی داشته‌اند به ازدواج منتهی نشده است.

عشق و تعلق

عشق و تعلق به جنس مخالف مشتمل بر واحدهای معنایی همدلی (درد دل کردن)، جلب توجه، لذت‌همنشینی و دلبستگی عاطفی است. این تمایل با میزان کمی از نیاز جنسی اما بسیار متاثر از تفاوت‌های جنسیتی بیان شده و حاکی از علاقه افراد به ایجاد رابطه با غیرهمجنس و جستجوی لذتی است که در همراهی و همنشینی با جنس مخالف حاصل می‌شود. این نوع تمایلات غالباً به وابستگی‌های عمیق عاطفی دوطرفه یا یک طرفه منجر می‌شود و قطع آن نیز با پیامدهای منفی برای فرد همراه است.

به نظر می‌رسد عشق و تعلق در میان دختران غلظت بیشتری نسبت به پسران دارد. در این جا باید گزارش دهیم یکی از موضوعات مهم در این نوع تعاملات آن است که معمولاً دختران در آغاز تعامل با تصور آن که می‌توانند حدود و عمق آن را کنترل کنند وارد رابطه می‌شوند اما پس از ورود به این رابطه و

به وجود آمدن عاطفه، دیگر نمی‌توانند آن را کنترل کنند و یا تصمیم عاقلانه بگیرند. این موضوع را حتی می‌توان در مصاحبه‌های پسران درباره دختر طرف تعامل نیز مشاهده نمود. چنان که مشارکت‌کننده شش دختران می‌گوید:

"یعنی می‌گم رابطه کلاً خوب نیست. از همون اولش بهتره که شروع نشه. الان من خودم اگه دوست نمیشدم باهاش به نظر من خیلی بهتر بود چون هنوزم دارم عاطفی تصمیم می‌گیرم شاید واقعاً نمی‌فهمم. ولی باز می‌گم که بهتره شروع نشه".

و مشارکت‌کننده نه دختران می‌گوید: "در کل یه آسیبی که داره اینه که تو زمام و مهار زندگی‌تو به دست نداری، تو انتخاب نمی‌کنی، تو، احساسات و است تصمیم می‌گیری و بعد احساسات، منطق تو رو مجاب می‌کنن".

حس تعلق در برخی مواقع فارغ از رابطه واقعی بوده و صرفاً روانی است، چنان چه مشارکت‌کننده شماره چهار دختران می‌گوید:

"احساس می‌کنم که لازمه یک وقتایی، یک پسری حرفامو بشنوه". یا مشارکت‌کننده شماره سه: "دوست داشتم که یکی باشه باهاش صحبت کنم، درد دلامو بهش بگم". یا مشارکت‌کننده شماره هشت پسران که می‌گوید: "یعنی حرفایی که یه پسر به یه پسر می‌تونه بزنه و آرومش کنه اگه یه پسر به یه دختر همون حرفا رو بزنه، دو برابر حداقل آرومش می‌کنه".

لذت جنسی

لذت جنسی در تعاملاً دگرجنس‌خواهانه حاوی معنای میل به رابطه، لذت و ارضاء جنسی در تعامل با جنس مخالف است. هم چنان که مشارکت‌کننده شماره دو می‌گوید:

"یه قسمتش اینه که به قولی اون غریزه درونیه هستش که می‌کشونه به سمت جنس مخالف".

در این سطح از تعامل، کشش و تمایل جنسی کاملاً غلبه پیدا می‌کند. اگرچه این نوع روابط غالباً کوتاه مدت و موقتی است، اما عموماً با تداوم رابطه دوجنس، تمایلات جنسی تشدید شده و از این جهت نیز سریعاً شکننده می‌شود. مشارکت‌کنندگانی که این نوع رابطه را تجربه می‌کنند و با شکست عشقی روبرو می‌شوند به سرعت به دنبال جایگزین می‌گردند. هم چنان که یکی از مشارکت‌کنندگان پسر در خصوص رابطه همزمان خود با چند دختر می‌گوید:

"بعد از این دوستیمون (شکست عشقی)، بازم رابطه داشتم ولی زیاد رابطه‌ای که مثل اون جدی بشه نبود یعنی رابطه‌ای که بیش از یک ماه یا سه ماه طول بکشه، ولی هیچ وقت از زندگی و کار منو نتونست بندازه. رابطه‌های دیگه شاید زیاد هم بودن این رابطه‌ها، به هر حال همین الان هم شاید با دخترا برم بیرون شاید یک مجلسی، دختر باشه، من برم ولی هیچ وقت دیگه ذهنمو درگیرش نمی‌کنم که بخواد اون رابطه واقعی بشه".

معاشقه و همبستری در همین سطح از روابط ظهور پیدا می‌کند و معمولاً به دلیل هزینه‌ها و فشارهای روانی و اجتماعی که با نوعی کتمان و پنهان‌کاری همراه است و ادامه یا قطع آن نیز وابسته به شرایط است. یکی از مشارکت‌کنندگان پسر در این باره می‌گوید:

"اون جا توی خونمون یادمه که حرف از اعتماد زدم. گفتم که تو چقدر منو قبول داری؟ بعد گفتش که منظورت چیه؟ گفتم منظورم اینه که اگه سرلخت جلوی من بشینی به نظرت چه اتفاقی میفته. گفت می‌دونم که تو کاری نمی‌کنی. بعد گفتم چرا. گفتش که چون تو آدم خونسردی هستی، آدمای خونسرد هم معمولاً دیر به جوش میان. بعد گفتم که پس می‌تونی جلوی من راحت باشی."

کاهش کنترل اجتماعی و کنجکاوای دو جنس نیز بعضاً باعث تشدید این قبیل روابط می‌شود. هم چنان که یکی از مشارکت‌کنندگان دختر در این باره می‌گوید:

«... خب دوست داشتم [رابطه جنسی] تجربه بکنم. این یه نیازه فکر می‌کنم. بعدشم بیشتر دوستای من یعنی دور و بریای من همه رابطه دارن. خیلیاشون، بیشتریاشون این رابطه رو دارن و این تاثیر می‌ذاره و آدم شاید می‌گه که بره کشف کنه ببینه چیه".

۳. معنای گزینشی تعاملات دگر جنس خواهانه

بر پایه یک انتزاع کلی از مجموع معانی تعامل با جنس مخالف می‌توان نتیجه گرفت که دگر جنس-خواهی بر پایه نوعی کشش و جاذبه جنسی صورت می‌گیرد و به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و روانی در برقراری رابطه با جنس مخالف، این ارتباط به صور مختلفی برانگیخته می‌شود و نیازهای جنسی افراد با انواع نیازهای اجتماعی آن‌ها در هم آمیخته می‌شود. در نتیجه این آمیختگی، فشارهای اجتماعی و روانی در برقراری ارتباط با جنس مخالف کاهش می‌یابد. با این حال، تفاوت‌های جنسیتی و شرایط فرهنگی اجتماعی پیرامونی در شکل دادن به انواع روابط دگر جنس خواهانه و هم چنین برقراری تناسب میان انواع انگیزه‌ها و انواع رابطه‌های میان دو جنس، سهم بسزائی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نیازهای فردی و اجتماعی در هم آمیخته هستند و نیازهای جنسی افراد در قالب روابط اجتماعی دو جنس تامین می‌گردد. بخش مهمی از تعاملات دو جنس از طریق هنجارهای ازدواج تنظیم می‌گردد و بخشی از آن نیز خارج از چارچوب ازدواج برقرار می‌شود. روابط دگر جنس خواهانه خارج از چارچوب ازدواج در اشکال مختلف شامل رابطه کلامی بدون عاطفه، رابطه کلامی با عاطفه یک سویه، رابطه کلامی با عاطفه دو سویه، رابطه عاطفی- جسمی و رابطه عاطفی- جنسی در بین دو جنس صورت می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان داد روابط دگر جنس خواهانه متضمن پنج مضمون اصلی شامل «انگیزه فرصتی، تجربه ارتباط متفاوت، میل به ازدواج، عشق و تعلق به یکدیگر و لذت جنسی» است. در عین حال تعامل با جنس

مخالف در خارج از چارچوب ازدواج با محدودیت‌های اجتماعی و روانی متعددی رو به رو است و تفاوت‌های جنسیتی و شرایط فرهنگی اجتماعی پیرامونی در شکل دادن به انواع روابط دگرجنس‌خواهانه و هم‌چنین برقراری تناسب میان انواع انگیزه‌ها و انواع روابط میان دو جنس، سهم بسزائی دارند.

با توجه به فرصت‌های ارتباطی دو جنس هم چون مجاورت و همترازی موقعیت، تعامل دگرجنس‌خواهانه هم چون سایر روابط اجتماعی در قالب اشکالی از همکاری و انجام فعالیت‌های داوطلبانه همانند روابط همکلاسی و هم دانشگاهی آغاز می‌شود. این فعالیت‌ها همان طور که مارتین و ویلیام (۲۰۱۱)، می‌گویند نقش میانجی در شکل‌گیری روابط پیشرفته‌تر را دارا هستند. پس از آشنایی اولیه این ارتباطات تدریجاً عمق پیدا کرده و انگیزه‌های جنسی در آن غلبه پیدا می‌کند. چنان که اوکر (۲۰۱۵)، هم در پژوهش خود به آن اشاره نموده، ادامه این روند تا رابطه جنسی، به زمینه اجتماعی فرد مربوط می‌گردد.

بعلاوه در شرایطی که روابط دو جنس پیشرفته‌تر می‌شود هم چنان که مطالعات رامانا کرشینا و همکارانش (۲۰۰۶)، نشان داده ممکن است باعث دوری از خانواده و ایجاد مشکلات هیجانی و روانی از جمله ضعیف شدن عزت نفس شود (کجباف و همکاران، ۱۳۸۶). البته ترکیب نیازهای جنسی با نیازهای اجتماعی هم چون نیاز به احترام، تأیید و تعلق معمولاً پوشش مثبتی را برای تداوم روابط دگرجنس‌خواهانه خارج از چارچوب ازدواج فراهم می‌کند. محمدپور و بوستانی (۱۳۸۸)، و بهروزیان و حسنوند (۱۳۹۵)، نیز یکی از عوامل تشدید دوستی‌های قبل از ازدواج در ایران را فشار هنجاری دوستان و همسالان دانسته‌اند. بعلاوه شکل‌گیری الگوهای تجدد در ایران موجب به وجود آمدن مدل‌های جدیدی از روابط پیش از ازدواج بوده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱).

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگر چه یکی از انگیزه‌های برقراری روابط دگرجنس‌خواهانه میل به ازدواج است لکن این قبیل در عمل منجر به ازدواج نمی‌گردد. همان طور که میرزایی و برغمندی (۱۳۸۹)، عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴)، و ریگیو (۲۰۰۸)، بیان داشته‌اند ازدواج در مقایسه با تمایلات لذت‌جویانه و کسب تجربه متفاوت ارتباطی که در این قبیل روابط غلبه دارد از ارزش بالایی برخوردار نیست و معمولاً با ادامه این قبیل روابط، موضوع ازدواج به یک مشغله ذهنی برای گریز از این وضعیت تبدیل می‌شود. البته هم چنان که شیخ دارانی و همکاران (۱۳۸۷)، تأکید داشته‌اند آموزش‌های مربوط به پیشگیری از این گونه روابط می‌تواند نگاه به زندگی مشترک آینده را تحت تأثیر قرار دهد.

به طور کلی پیشرفت یا توقف روابط خارج از چارچوب ازدواج بسته به شرایطی دارد که دو جنس در آن پرورش یافته‌اند. معمولاً در شرایطی که نظارت و کنترل اجتماعی بر این مناسبات کمتر است این روابط پیشرفته‌تر شده و افراد درگیر رابطه با محاسبه عقلانی کمتر و دلایلی که خودش کمتر در آن تامل کرده باشد وارد سطوح بالای تعامل می‌شوند و آن را طبیعی می‌دانند. در این زمینه عظیمی هاشمی و همکاران تأکید داشته‌اند که هنوز هنجارهای خانواده در بین دانشجویان خراسان رضوی غلبه دارد و افراد بر اساس آن تصمیم‌گیری می‌نمایند. هم چنین نیاز جنسی برای دختران بیشتر جنبه عاطفی و برای

پسران بیشتر جنبه جنسی دارد. در تحقیقات پیشین نیز تاکید شده عشق و علاقه به عنوان یکی از عناصر اساسی روابط پیش از ازدواج است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۰).

انگیزه‌های برقراری رابطه با جنس مخالف نشان می‌دهد که نیازهای درونی و طبیعی هم‌چون نیاز جنسی با نیازهای سطح بالاتر ترکیب می‌شود و از طریق نظام هنجاری درونی شده و نظام هنجاری بیرونی، سطوح متفاوتی از تعامل دگرجنس خواهانه را شکل می‌دهد. از آن جهت که جامعه ایران با نوعی مشکل بی‌هنجاری مواجه است روابط خارج از چارچوب ازدواج نیز بیشتر تحت تاثیر هنجارهای شخصی تنظیم می‌گردد و همواره با کتمان و پنهان کاری پیش می‌رود. این بی‌هنجاری حتی می‌تواند به سمت الگوهایی مانند همخانگی نیز کشیده شود (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). پنهان شدن واقعیت‌های انگیزه‌ای در این موضوع خاص در ذیل لعاب‌های مختلف، خود یکی از محدودیت‌های عمده تحقیق در باره تعاملات دگرجنس خواهانه و خارج از چارچوب ازدواج در ایران است. این در حالی است که شیوع رو به تزاید این روابط تحقیقات عمیق‌تر در این موضوع را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. این شیوع موجب می‌شود لزوم کشف انگیزه‌های ذهنی افراد دخیل در آن اهمیت پیدا کند، چرا که هر گونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره کنش‌های انسانی بدون داشتن دانش کافی درباره انگیزه‌ها و دلایل درونی آن افراد بی‌نتیجه خواهد ماند. در این نوشتار سعی شده است ذهنیت دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در این موضوع مورد مذاقه قرار گیرد تا گستره دانشی مربوط به این گونه از روابط جدید نیز افزایش یابد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ و طالبی، سحر. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*. شماره ۴.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*. شماره اول، صص ۷۷-۴۳.
- اورعی، غلامرضا. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان*. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- اورعی، غلامرضا. (۱۳۹۶). *مبانی جامعه‌شناسی*. نشر سمت (پیش از چاپ).
- بهروزیان، بهروز؛ و حسوند، احسان. (۱۳۹۵). بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، *علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*. ۲۸، صص ۲۱۲-۱۸۷.
- بوستانی، داریوش؛ و محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)، *مجله مطالعات راهبردی زنان*. ۴۴، ۱۷۲-۱۴۲.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۶). *انگیزش و هیجان*. تهران: ارسباران.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- ریو، جان مارشال. (۱۳۸۲). *انگیزش و هیجان*. ترجمه: یحیی، سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ و سلیمانی، زکیه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد، *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۴۵، ۳۶۴-۳۳۹.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی روانی*. تهران: رشد.

- شیخ‌دارانی، هما؛ مهرابی، حسینعلی؛ کجیاف، محمداقرا؛ و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا بر نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه، **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**. شماره ۳۸، ۶۲-۴۱.
- عظیمی هاشمی، مژگان؛ اعظم‌کاری، فائزه؛ بیگناه، معصومه؛ و رضامنش، فاطمه. (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، **راهبرد فرهنگ**. ۹، ۳۳۳-۳۱۹.
- علی‌تبار، س؛ قنبری، س؛ زادمحمدی، ع؛ و حبیبی، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی، **خانواد پژوهشی**. ۲، ۲۶۷-۲۵۵.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۹۲). **ارتباطات انسانی مبانی**. (جلد ۱)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کجیاف، محمداقرا؛ عابدی، محمدرضا؛ و شیخ‌دارانی، هما. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا بر نگرش دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه، **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**. شماره ۳۲، ۳۲-۱۷.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). **روش تحقیق کیفی ضد روش (۱)**. منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). **روش تحقیق کیفی ضد روش (۲)**. مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مزلو، ابراهام، اچ. (۱۳۶۹). **انگیزش و شخصیت**. ترجمه: احمد، رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی؛ معاونت فرهنگی.
- میرابی، سعیده. (۱۳۹۱). **پدیدارشناسی تجربی گناه: مورد مطالعه گناهان جنسی**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- میرزایی، خلیل؛ و برغمندی، هادی. (۱۳۸۹). رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن، **فصلنامه رفاه اجتماعی**. ۳۴، ۳۱-۱۱.
- میلز، سی‌رایت؛ و گرث، هانس. (۱۳۸۰). **منش و ساختار اجتماعی**. ترجمه: اکبر، افسری. تهران: نشر آگه.
- یوسفی، علی؛ و تابعی، ملیحه. (۱۳۹۱). **پدیدارشناسی تجربی راهی برای فهم تجارب دینی، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی**. ۷، ۹۴-۷۱.
- Riggio, H., R. (2008). Attitudes toward marriage: embeddedness and outcomes in personal relationships, **Personal relationships**. 15, P.p: 123-140.